

نگاه ژرف و باریک به موقعیت ژئواستراتژیک ایران

بهترین استراتژی این است که با قدرت رودر رو نشده مانور کرده دور بزنید. به این معنی که از مردم ایران که در ۵ ماه گذشته ثابت کرده از یک جسارت و دلآوری برخوردار بوده آماده اند تا رژیمی که از آن متفراند را ریشه کن کنند پشتیبانی کرد.

دکتر اسد همایون

این نوشته به زبان انگلیسی در ورلد تریبون هم چاپ شده است

ایران (جمهوری اسلامی) در حال حاضر به یک قدرت اتمی مبدل شده است، و با رهبران کنونی اش بدون شک یک تهدید به صلح در منطقه و خطری جدی به توازن بین المللی است. گمان می کنم نخست و در قدم اول ایران به یک آزادی، یک تحول اقتصادی و یک دولت سکولار دموکراتیک مسنول که به نقش خداسالاری در زمین پایان بخشد و کشور را از انزوا بیرون بکشد نیاز دارد تا بتواند جایگاه راستین خویش را در منطقه بدست بیاورد. آنگاه اگر یک دولت سکولار مسنول تصمیم بگیرد که ایران نیاز به پرورش توانائی دفاعی دارد و یا نیاز دارد تا به یک نیروی اتمی مبدل شود به این موضوع رای خواهد داد. برای درک درست موقعیت استراتژیک (موقعیت رزم آرائی) ایران در منطقه بایستی به ژرفی به نقشه و جایگاه پر اهمیت ایران در شطرنج بین المللی نگاه کنیم.

ما میدانیم مساحت کره زمین تقریباً ۱۹۷ میلیون مایل مربع است، ۷۰ درصد آن با آب پوشیده شده است، و ۵.۵ میلیون مایل مربع باقیمانده با یخ های قطب ها پوشیده شده است. نزدیک به ۵۲ میلیون مایل مربع زمین برای زندگی ۲۰۰ ملت و نهادهای گوناگون با جمعیتی بیش از ۶ بلیون نفر باقی می ماند. ایران از نظر جغرافیائی با مساحتی برابر با ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومترمربع یک کشور بسیار بزرگ بحساب می آید. ایران هفدهمین رتبه را در میان کشورها بخود اختصاص می دهد و از یک موقعیت بسیار حساس با جمعیتی بالغ بر ۷۳ میلیون نفر، با تاریخ بسیار بلندش، روشنفکرانی قوی، فرهنگ و سنت های ویژه، ناسیونالیسم و طبیعت بخشنده اش، ویژگی منابع نفتی و گاز طبیعی یک جایگاه ویژه ای بخود اختصاص می دهد.

در اختیار داشتن ۱۲ درصد از ذخائر نفتی شناخته شده جهان، ایران را در رده دوم ذخیره نفت و گاز جهان قرار می دهد. ایران در یک جایگاه حساس بین دو فلات انرژی در خلیج پارس و دریای مازندران قرار دارد که ۷۰ درصد ذخیره منابع شناخته شده نفت و ۶۰ درصد گاز های شناخته شده را در خود جا داده است. دارای ۱۵۷۰ مایل مرز آبی با خلیج پارس و دریای عمان است که موقعیت ویژه دهانه هرمز به آن اضافه می شود. ایران به راستی خود را یک کشور پر قدرت منطقه بحساب می آورد و در واقع مرکز ثقل و میخ آسه (محور) کشورهای خاور میانه است که از پامیر تا دریای مدیترانه کشیده شده اند.

ایران با ۱۵ کشور دیگر مرز مشترک دارد بدون اینکه یک دوست استراتژیک در مرز های خود داشته باشد. بارها در قرن ۱۹ و بیستم مورد تجاوز روس ها و بریتانیا قرار گرفته است، و بارها تکه پاره شده است. بطور نمونه، در پی قرارداد گلستان در سال ۱۸۱۴ ایران وادار شد تا بخشی از گرجستان و هشت ایالت دیگر را از دست بدهد، و بدنبال قرارداد تحمیلی ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ ایران بار دیگر مجبور شد سرزمین های بیشتری را به روسیه واگذار کند. در سال ۱۹۰۷ بریتانیا و روسیه قرارداد تقسیم ایران را به دو بخش نفوذی امضا کردند، اما این قرارداد به دلیل تلاش های مستمر میهن پرستان ایرانی دچار شکست شد. در هنگامه جنگ بین الملل اول و به ویژه در دوران جنگ جهانی دوم ایران اشغال شد و روسیه در سال ۱۹۴۵ بدون هرگونه پوششی و آشکارا خواستار جدائی بخشی از ایران شد. ارتش سرخ کرد ها و آذری ها را تشویق به تشکیل جمهوری می کرد، اما این تلاش مذبوحانه روس ها با دخالت پرزیدنت

هری ترومن پایان گرفت. عراق در سال ۱۹۹۰ با بکار بردن بمب شیمیایی و بیولوژیکی ایران را مورد تجاوز قرار داده و بیش از ۴۰۰،۰۰۰ نفر را کشته و نزدیک به یک میلیون نفر آسیب دیده بجا گذاشت.

ایران در واقع یک نیروی پراهمیت است که می تواند بی اندازه به استقرار و دوام صلح و یا به متزلزل کردن و بی ثبات کردن منطقه تاثیر بگذارد. شوربختانه، ملایان حاکم مورد آخر را گزیده اند. ایران در موزانیک جهانی و در فاصله بین اروپا و آسیا نقش مهمی بازی می کند، ولذا دفاع و امنیت ملی آن از یک ویژگی با بافتی پیچیده بهره میگیرد. با بدست دادن این حقیقت که ایران در فاصله بین اروپا و آسیا قرار گرفته و با توجه به اینکه در گذشته بارها مورد حمله قرار گرفته است و پنج (۵) کشور در همسایگی او به نیروگاه های اتمی مجهز هستند بایستی این درک را بدست آوریم که ایران براستی به یک سیستم دفاعی و قابلیت تولید نیروی دفاعی نیاز دارد تا امنیت خویش را در میان کشور های دیگر و مقابله با دخالت بیگانگان به منظور حملات تجزیه طلبانه تامین کند.

در اینجا سخن از مسئولیت دولت است. جمهوری اسلامی بصورت غیر منطقی و غیر عقلانی از گروه های تروریست بین المللی پشتیبانی می کند. نه تنها هولوکاست را انکار می کند، بلکه آشکارا و با شفافیت و بطور مکرر خواستار نابودی اسرائیل است. به همین دلیل است که جامعه بین المللی نمی تواند یک چنین رژیم رادیکالی را با دست داشتن بر سلاح اتمی تحمل کند. اگر ایران دارای یک دولت مسئول بود که بطور عاقلانه و منطقی رهبریت جامعه ایران را با تعقل و مدلل هدایت می کرد آنگاه می توانستیم باور کنیم که آمریکا و حتا اسرائیل می تواند در کناریک ایران اتمی زندگی کنند. در حال حاضر ایران که از مرز (خط قرمز) رد شده و تقریباً اتمی است این پرسش را پیش رو می گذارد چه سیاستی از سوی غرب بایستی اتخاذ شود تا حتی امکان بتواند جلوی فاجعه و مصیبت و یک خطای جدی را بگیرد.

یک ایران اتمی در سایه رهبریت یک رژیم با رسالت حکومت الهی در زمین با ایده های «جهادی» فقط می تواند برای ایران و ایرانیان فاجعه آفرین باشد تا اینکه به آنان خدمت کند، می تواند تمام منطقه را بصورت سنگ قلابی به سوی جنگ هدایت و حتا موجب جنگ اتمی گردد. جمهوری اسلامی هرگز نمی تواند عقلانی و منطقی عمل کند و هرگز به فشار های جامعه بین المللی تمکین نکرده و تغییر نخواهد کرد. رژیم ملایان ضد فشار است. هرگز تغییر نخواهد کرد و باور ها و سیاست های خود را عوض نخواهد کرد. به دلایل زیر نه مذاکره، نه تحریم، و نه جنگ کارآمد است:

۱- در گذشته دوردگریری های سیاسی و مذاکرات ناگوار و بی نتیجه بودن خود را ثابت کرده اند. رژیمی که آشکارا وابسته به کتاب مذهبی، معتقد به پنهان کاری و دورویی و فریب (تقیه) است و در موارد سیاست خارجی خود به قرآن مراجعه کرده و استخاره می کند نمیتواند شریک قابل اعتمادی برای صلح باشد. هرگز یک رژیم عادی و عقلایی نبوده است. تنها استراتژی ایران این است تا وقت بخرد. اگر رژیم تهران خود را در مذاکره درگیر کند به آن معنی فریبکارانه دست یازیده است تا وقت بخرد، تا به هدف های استراتژیک خود برسد. همانطور که استراتژیست چینی و نویسنده کتاب هنر جنگ سان سو می گوید، «هنگامیکه مامور و یا فرستاده یک دولتی به میز مذاکره می آید و همزمان به آماده سازی دست می زند خاطر جمع باش که قصد پیشروی دارد.»

۲- تحریم موثر نخواهد بود. روسیه و چین هرگز به این سیاست تن نخواهند داد؛ باین دلیل که هر دو دارای استراتژی های اقتصادی با ایران اسلامی هستند و لذا بی درنگ با آن مخالفت خواهند کرد، از اینرو اگر در راستای تحریم با غرب همکاری کنند نخواهد توانست رژیم جمهوری اسلامی را به زانو درآورد.

۳- برخلاف آنچه بخشی از سیاستمداران توصیه می کنند؛ نه حمله نظامی اسرائیل و نه آمریکا موثر خواهد بود. یک حمله نظامی نخواهد توانست مشکل را حل کند بلکه برعکس موجب زیان های جبران ناپذیر به منافع آمریکا در منطقه خواهد شد. خطرات و صدمات محاسبه نشده و جبران ناپذیری را به اسرائیل وارد خواهد ساخت، و می تواند تمام منطقه را به آشفستگی و هرج و مرج بکشاند و حتا می تواند به جنگ اتمی بیانجامد. در صورت وقوع فاجعه حمله نظامی به ایران، رژیم اسلامی بی شک و به احتمال قوی به منافع آمریکا در منطقه حمله کرده آنرا هدف قرار خواهد داد. موشک به سوی تل آویو پرتاب خواهد کرد و یاران رژیم اسلامی در درون حماس و حزب الله برضد اسرائیل وارد عمل خواهند شد. از همه مهمتر، ایران با استفاده از موشک

دوربرد شهاب ۳ به امارات متحده عربی و به ویژه منابع نفتی و تاسیسات پالایشگاه و نفت سعودی حمله خواهد کرد. حداقل ۵ میلیون بشکه در روز از نفت عربستان سعودی را از بازار بین المللی حذف خواهد کرد و موجب افزایش قیمت نفت تا گالنی ۱۰ دلار خواهد گردید. در آن صورت بسیار جاهلانه خواهد بود دولت عربستان سعودی جنگ بر علیه ایران را دامن بزند. ایران ممکن است طرح بستن دهانه هرمز را پیش بگیرد. نبایست فراموش کرد که رژیم ملایان در تهران از جمله نا معقول ترین و بی هویت و بی ریشه ترین رژیم های تاریخ است که تا بحال خاور میانه بخود دیده است. با عملیات نا تمام در عراق و جنگ در افغانستان که با گسترش طالبان در پاکستان همراه است و تشنج های میان اعراب و اسرائیل بالاترین نابخردی سیاست آمریکا خواهد بود تا جبهه دیگری در منطقه باز کند. آغاز جنگ بسیار آسان است، ولی ادامه آن بسیار گران و پایان دادن آن بسیار دشوار است.

عاقله ترین سیاست، گزینه چهارمی است که در گذشته نیز من بارها در آن مورد گفتگو کرده ام. تنها، پشتیبانی از مردم ایران موجب تغییر رژیم ضعیف شده، منفور و بدنام ملایان خواهد شد.

بهترین استراتژی این است که با قدرت رودر روبرو شده مانور کرده آنرا دور بزنید. به این معنی که از مردم ایران که در ۵ ماه گذشته ثابت کرده از یک جسارت و دلوری برخوردار بوده آماده اند تا رژیمی که از آن متنفرند ریشه کن کنند پشتیبانی کرد.

ایرانیان خواستار یک تغییر بنیادین رادیکال هستند و منظورشان براندازی رژیم اسلامی از اوج و قله قدرت است. مردم ایران برخلاف خواست و سیاست دوستان گذشته رژیم که به اصلاحات چشم دوخته اند، باور ندارند یک چنین رژیمی اصلاح پذیر باشد. رژیم اسلامی با بهره گیری از سیاست داخلی و خارجی اش دو دشمن بسیار مهم برای خود فراهم آورده است؛ یک؛ مردم ایران و دو؛ آمریکا و اسرائیل. هر نوع حمله نظامی، تجاوز و پرخاشگری بر علیه ایران ممکن است باعث شود تا مردمی که تا به این حد از رژیمی متنفرند در دفاع از کشورشان به پشتیبانی از دولت حاکم برخیزند. در حالیکه، پشتیبانی از مردم ایران به مردم انرژی فزاینده ای داده و آنچه را در خیابان های تهران و دیگر شهر های بزرگ ثابت کردند را آبدیده تر و موثرتر می کند، مردم ثابت کردند آماده اند تا بپا خیزند و رژیم را سرنگون کنند.

گمان من بر آن است که نهایتا بایستی پرزیدنت اوپاما استراتژی پرزیدنت بوش را بکار گیرد. آقای اوپاما دست دوستی به سوی تهران دراز کرده است در حالیکه رژیم اسلامی در عمل تلافی جویانه دست به فریبکاری زده و از آن برای خرید زمان استفاده می کند. من جدا بر این باور هستم که بهترین راه حل این مشکل تغییر رژیم با بکار گیری یک استراتژی معقول است نه دست یازیدن به رودرروئی و مقابله. همانطور که سان سو می گوید؛ «کمال رهبریت در آن است که بدون جنگ

پروز شود.» پرزیدنت اوپاما بایستی به اهمیت، ماهیت و حرمت، حرکت اجتماعی سیاسی که بپا خاسته و برای آزادی و استقلال خویش می جنگد را پی ببرد. آمریکا نبایست نیرو و ماهیت این قوه عظیم را که طغیان کرده تا بر علیه رژیم الهی در زمین بجنگد را دست کم بگیرد. یک هفته پیش، حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای، وزیر پیشین اطلاعات و حاکم شرع فعلی آشکارا گفت رژیم اسلامی فقط از درون آسیب پذیر است. پرزیدنت اوپاما می تواند بایک حرکت تاریخی پشتیبانی از این نیروی بزرگ دلاوران ایرانی که توجه جهانیان را بخود جلب کردند و اعلام کردند آماده هستند تا بهای لازم را برای آزادی بپردازد موقعیت کشورش را در منطقه بطور چشمگیری تغییر بدهد. یک ایران آزاد و دموکراتیک بار دیگر به عنوان دوست ایالات متحده آمریکا جلوه گر شود. همچنین در جلوگیری و محاصره تروریسم بین المللی مفید بوده و منتج به صلح و ثبات در افغانستان و عراق گردد.

بنیاد رژیم اسلامی متزلزل شده است. نشانه های ترس از میان جامعه رفته است. مردم آشکارا رهبریت مذهبی آیت الله خامنه ای و نقش از هم گسیخته او را به چالش کشیده اند. میان رهبران رژیم شکاف افتاده و یک خلاء سیاسی ژرف بوجود آمده. زمان آن فرا رسیده است که اوباما و تشکیلات اداری او بطور شفاف با انرژی و اشتیاق به سمت مردم ایران چرخش کند و پشتیبانی خستگی ناپذیر خود از آنان اعلام کند. اینکار را می تواند با استفاده بهتر و موثرتری از صدای آمریکا انجام دهد، می تواند فساد، رانتخواری و رشوه خواری و بی قابلیت بودن رهبران مذهبی را به معرض نمایش بگذارد. همچنین می تواند موارد نقض حقوق بشر، بی ریشه و هویت بودن رژیم و سرکوبگری ناگوار و زننده رژیم، شکنجه و کشتار مردم بیگناه را به تصویر و کلام بکشد. وبالاخره، می تواند استقرار و تشکل یک دولت شایسته و با کفایت در تبعید را که نمودار خواست و آرزوی دیرینه مردم ایران در رسیدن به آزادی است را امکان پذیر سازد. این بهترین راه حل مشکل و تنشج بین المللی خواهد بود و ایران دشمن را به یک دوست میدل کرده و نیروی صلح و اعتدال را به منطقه پر آشوب برخواهد گرداند.

This Article published in the [WorldTribune.com](http://www.worldtribune.com)

این نوشتار در ورلد تریبون در آدرس زیر چاپ شده است

http://www.worldtribune.com/worldtribune/WTARC/2009/me_iran0912_11_23.asp

www.azadeganiran.com